

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد وآل محمد

ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها - (جله سوم) - موضوع: سیرکوفایی امت

جلسه پنجم - استاد اخوت ۱۳۳۳/۱۲/۱۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَوَالِدٍ وَمَا وَكَلَدَ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴) أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا (۶) أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷) أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰) فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُ رَقَبَةً (۱۳) أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ (۲۰) براساس روایتی، می فرمایند «هر کس بعد از تسیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها)، ۱۰۰ مرتبه استغفار کند، همه گناهانش بخشیده می شود»^۱. همه بعد از نماز، تسیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به جا آوریم و اگر الان هر نفر، ۴ مرتبه ذکر استغفار بگوید، ان شاء الله ۱۰۰ مرتبه می شود و مشمول این روایت خواهیم شد. در این جلسه قصد داریم ادامه بحث امامت و شکوفایی امت به واسطه امام را دنبال کنیم. بنابراین در ابتدا مروری بر مباحث گذشته خواهیم داشت.

۱. انسان دارای شأن فردی و جامعه‌ای به نام شأن جامعه‌ای امت است. نام شأن فردی نیز، امت است اما امتی که فقط امام و فرد در آن وجود دارد. پس انسان در هر حالتی امت است و هیچ‌گاه فرد تنها نیست. با این وجود گاهی به عملکرد خود فرد توجه می‌کنیم و زمانی دیگر جامعه را بررسی می‌نماییم. مانند اینکه در موقعیتی می‌گوییم مردم ایران این کار را انجام می‌دهند و حالت دیگر این است که بگوییم ما این کار را انجام می‌دهیم؛ یعنی خود من! حتی ممکن است جمعیت را کوچک کنیم و بگوییم من این کار را انجام می‌دهم و یا مدرسه قرآنی انجام می‌دهد.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۳، ح ۳

در هر حالت، شأن انسان نیازمند امام است اما نیازها متفاوت است، سه عنوان برای این نیازها بیان کردیم. ابعاد نیاز به ولایت در هر عمل خیر (فردی)، ابعاد نیاز به ولایت در حرکت و قیام (اجتماعی) و ابعاد نیاز به ولایت در نتیجه بخشی (فردی و اجتماعی).

۲. امامت، دارای فرآیندی از امامی به امام دیگر است که سیر تکامل انسان را شامل می‌شود. انسان در هر حالت باید ۱۲ امامی باشد؛ یعنی امامت دارای سیر یا مراتب است. از امام اول تا امام دوازدهم.

۳. برای انسان زمان مطرح می‌شود و همه این اتفاقات در بستر زمان رخ می‌دهد. به همین خاطر چرخش زمین به دور خورشید، در حالتیکه خورشید، امامت یا ولایت فرض شود و اینکه انسان تابع امام باشد، سن انسان را تشکیل می‌دهد. سن معنوی انسان، تابع امامداری او می‌باشد. امام دار بودن، انسان را از ظلم و جهل خارج می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^۲ گاهی ائمه به ۱۲ ماه تشبیه شده‌اند؛ یعنی اینکه انسان دارای اجل یا دوره‌ای است که در آن دوره طفولیت، نوجوانی و ... باید برای او اتفاقاتی رخ دهد، این ۱۲ ماه یا ۱۲ امام در تمام نظام زندگی یک انسان، در هر دوره یک اتفاق است که بر اساس ادعیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) مطرح شد. برای مثال اینکه در دوره اول که انسان امام‌دار و امیرالمومنین دار می‌شود، چه خصوصیتی دارد؟

۴. بحث شب و روز را مطرح کردیم. یک نمونه مثال کاربردی از این مباحث این است که در هر دوره از زندگی انسان، توان‌هایی اظهار می‌شود. در دوره اول برانگیختگی، حرکت و نشاط است. برای اینکه این دوره‌ها در این فرد فعال شود، باید در تک‌تک روزها، ساعات و لحظاتی این اتفاقات رخ دهد. این ۱۲ مورد را به ماه یا ساعت یا حالت‌های مختلف می‌توان تعبیر کرد. نکته مهم این است که بتوانیم در هر کاری این ۱۲ مورد را در نظر بگیریم. بعد از در نظر گرفتن این ۱۲ مورد، عمر انسان به تدریج مقطع بندی می‌شود؛ یعنی در هر دوره‌ای یکی از این موارد که بحث کردیم شکوفا می‌شود.

چگونه انسان علی دار می‌شود؟ (منظور از علی، اسم و حقیقت آن است) وقتی که انسان علاقه‌مند باشد، حرف خدا را بشنود. در انتخاب شغل یا رشته تحصیلی، چگونه انسان می‌تواند علی‌دار شود؟ برای اینکه آن کار را انجام دهد یا ندهد، باید با خشیت و پذیرش به دنبال حکم خدا باشد و خودش علو نداشته باشد. قصد و خواسته‌اش این نباشد که

^۲ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶

از غیر خدا حکم بگیرد. در مجموع اگر فردی در هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد، به دنبال حکم آن برود و حکم آن عمل را به تفصیل بداند، توانسته علی‌وار عمل کند حتی اگر به ظاهر شیعه نباشد. اما اگر کسی به ظاهر شیعه باشد اما در عمل خشیت نداشته باشد و حکم خدا را نخواهد، نداند و نپذیرد، علی‌وار نیست. امامت امیرالمومنین با «حکم و پذیرش حاکمیت الهی» احراز می‌شود.

امامت امام حسن (علیه السلام) چگونه احراز می‌شود؟ «بینه پارسایی و خدا آگاهی». اینکه برای عمل خود حکم دارم و می‌دانم که باید این کار را انجام دهم و در اجرای آن عمل، باید به یاد خدا باشم. یاد خدا منشا همه تحولات است. برای یاد کردن خدا، باید جلوه‌های خدا را یاد کنم؛ مثلاً جلوه اسم رحمن، رحیم و هادی خدا را به یاد داشته باشم و بدانم خدا همیشه محافظ من است. من اگر خدا را یاد کنم، یعنی خدا را حاضر و خود را در محضر او می‌بینم، پس با ادب رفتار می‌کنم، کارهای زیبا انجام می‌دهم و انسان باحیایی می‌شوم. این همان ولایت امام حسن (علیه السلام)، یعنی بروز حُسن است.

این فرآیند مانند حدیث کساء است با این تفاوت که سیر آن تا ۱۲ امام است. مرحله اول این است که انسان کار را با حکم حاکم انجام دهد و حاکمیت را بپذیرد. دوم، مراقبت کردن است.

سوال: بینه داشتن با حُسن رفتار کردن متفاوت است؟

- بینه، داشتن دلیل واضح برای عمل است؛ به معنای چراغ روشنی است که مسیر را روشن می‌کند؛ مثل خورشید. حسین‌دار شدن، «احسان و حَسَنه» ایجاد می‌کند. بعد از حکم داشتن و مراقبت کردن، باید آن حکم را جاری کنیم. در واقع احسان، به کمال رساندن عمل است. احسان به غایت رساننده صفات کمال است. یعنی کار را به نحو احسن انجام دهیم. حسین نه به معنای حُسن کوچک، بلکه کمال حُسن منظور است. آن حُسن قبلی که آغاز شد باید تا جایی که ممکن است به کمال خود برسد. پس اگر من بخواهم شغلی انتخاب کنم، باید بینم حکم آن چیست. چگونه می‌توانم در رابطه با آن، بیشترین و بهترین جلوه الهی را جاری کنم. سپس صفات کمالی که به واسطه آن شغل و حرفه، احتمال وقوع دارد، درک کنم و میل به کمال طلبی را در خود فعال نمایم.

سوال: این بحث چه ارتباطی با اسرع بودن کشتی نجات ابا عبدالله (علیه السلام) دارد؟

- اسرع بودن حضرت به این ترتیب است که شما از طریق یادگیری در خارج دارای مراتب حسن می شوید؛ مثل اینکه معلم خوبی دارید که اهل حسنه و بروزات کمال است... همین مقدار که می بینید، کمال از ناحیه او به شما منتقل می شود. خاصیت احسان این است که شدیداً انسان را مجذوب خود می کند و یکی از خصوصیات حسین این است که سطح کمال طلبی را در فرد به نهایت می رساند؛ یعنی برای کاری که می خواهیم انجام بدهیم خودمان را پایین نمی بینیم.

خاصیت علی بن الحسین (علیه السلام) این است که انسان را به عبودیت و عبادت سوق می دهد. انسان همین مقدار که حکم خدا را انجام می دهد، احساس عبد بودن می کند. عبادت یعنی اینکه انسان در حال انجام مسلک است. فرض کنید یک نفر، کاری برایش مانند نماز عبادت باشد. این فرد چه روحیه ای پیدا می کند؟! عبادت به معنی این است که همان عبودیت، شاکله و تشخیص پیدا می کند. در واقع تا امام حسین (علیه السلام)، عبودیت فعال می شود و از امام سجاد (علیه السلام) به بعد، عبادت فعال می شود. عبودیت به معنی تابع حکم خدا شدن است و عبادت به معنی انجام کار مشخص و معلوم مثل نماز برای خدا می باشد. آداب، مراسم و مناسک پیدا کردن است. پس امام سجاد (علیه السلام)، کار انسان را که در ذیل حکم و با کمالات در حال انجام است را صورت عبادت و زینت می دهد که به ایشان زین العابدین می گویند. پس ایشان «عبادت کردن آن عمل» هستند. امام باقر (علیه السلام)، آن عملی که به این مرحله رسیده است را با مواجهه های مختلف روبرو و سپس با علم همراه می کند و استمرار می دهد. فرض کنید برای انجام کاری علم نداشته باشید، در این صورت استمرار آن دچار مشکل خواهید شد. کار محمد باقری شدن این است که «استمرار عمل به وسیله علم» را طلب می کند. شما مشغول کاری شده اید. حکم دارید. خدا را ناظر دانستید. کمالات و حُسن را در خود جاری کردید. به عبادت رساندید. حالا باید آن را استمرار بدهید تا به نتیجه برسد. این مرحله به علم احتیاج دارد که در اثر علم تفصیلی ایجاد می شود.

سوال: آیا ممکن است عملی تا این مرحله برسد و علم باعث متوقف شدن آن شود؟

- علم، شکل آن عمل را تغییر می دهد. به همین خاطر شما عملی را شروع می کنید، به دلیل علمی که حاکم می شود، ممکن است صورت های مختلف پیدا کند. ممکن است فردی کاری را آغاز کند، وسط کار به این نتیجه برسد که باید کار دیگری هم انجام دهد. این در اثر امام محمد باقر (علیه السلام) دار شدن است.

سوال: اگر کاری انجام شود و تا این مرحله برسد اما علم پیدا کنیم که از ابتدا این کار خوب و مفیدی نبوده است، اشکال در کدام مرحله است؟

- این کار از ابتدا، یعنی از مرحله امیرالمومنین دار شدن دچار خطا بوده است. امامت هر قسمتی که خطا داشته باشد، آن عمل در همان قسمت دچار مشکل می‌شود. این مراتب مشخص و واضح هستند. اگر خداوند قدیم که بوده و هست و خواهد بود، بی‌نهایت انسان‌های مختلف در کره‌های گوناگون بوجود آورد، نظامی که در هر جای عالم برای انسان قرار داده است، نظام ۱۲ امامی به این شکل است. به همین خاطر می‌فرماید «لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»^۳. یعنی به مقام حقیقی آن اشاره می‌کند. مقام امیرالمومنین (علیه السلام) مقام حکم است یعنی «لَوْلَا حَكَمَ اللَّهُ كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ». «لَوْلَا تَقْوَا اللَّهَ كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ وَ...». اکثر اوقات این مباحث مطرح می‌شود و ما نمی‌توانیم بین شخصیت‌های معنوی و روحانی با شخصیت‌های عادی تفکیک قائل شویم. در واقع همه عالم امام دارد و شکل امامان‌شان این گونه است. یعنی شما در حال بررسی نظام امامت عالم هستید.

سوال: آیا می‌شود بدون حکم، کمال را طلب کرد؟

- خیر، حکم لازم است. همه چیز بر حکم استوار می‌شود.

سوال: امکان دارد یکی از این مراتب را نداشت و رعایت نکرد؟

- خیر، همه این مراتب پشت سر هم و به هم پیوسته هستند. اگر حُسن نباشد، عمل به عبادت نمی‌رسد یا به تفصیل و علم نمی‌رسد و اگر برسد، بطور ناقص اتفاق می‌افتد.

سوال: آیا این سیر شبیه ساختار وجودی انسان است؟

- خیر، شبیه ماه‌های قمری است. بعد از رجب، شعبان و رمضان است. نمی‌توان گفت ما می‌خواهیم وارد ماه رمضان شویم و بعد به ماه رجب برگردیم!

^۳ بحار الانوار، جلد ۱۶، ص ۴۰۵ و جلد ۷۱، ص ۱۱۵

سوال: اگر من در ماه محرم که شروع سال قمری است کاری را آغاز کنم و آن ماه که به نام امیرالمومنین (علیه السلام) است و قصد انجام کارهایی حول محور ایشان داشته باشم، باید صبر کنم تا محرم سال آینده پیگیر آن موضوع و عمل شوم؟

- شما در آن ماهی که برای امیرالمومنین (علیه السلام) قرار می‌دهید، برنامه‌ها، مطالعات و ارتباطها در مورد حکمرانی بیشتر می‌شود، مثل همین کاری که در روایات انجام می‌شود. در ماه رجب یکسری از اعمال و ادعیه را به جا می‌آورید. در ماه شعبان اعمال و ادعیه دیگری و در ماه رمضان به شکل دیگر انجام می‌گیرد. جالب است که بعضی از اعمالی که مختص ماه رمضان است را نمی‌توان در ماه رجب یا شعبان انجام داد، مثل کاری است که غیر از موعد خودش انجام می‌شود. شما الان نمی‌توانید دعای ابوحمزه را بخوانید. بستر اعمال باید فراهم شود. هر عمل موطن خودش را می‌خواهد. این ماهها موطن‌های فعال‌سازی آن بخش هستند. اگر بتوانیم این مباحث را ارتقا بدهیم، برای ما سیر مطالعاتی راجع به مسایل مختلف ایجاد می‌کنند؛ مثلاً ماهی که متعلق به امام زین العابدین (علیه السلام) است، سیر مطالعاتی درباره عبادت، زینت عبادات، اسرار عبادات، شکل‌گیری عبادات، ارکان و واجبات عبادات مطرح می‌شود. در مورد عبودیت این مسائل مطرح نمی‌شوند. در عبودیت می‌گوییم حکم چیست اما در باب عبادت در مورد ارکان، واجبات و مستحبات آن صحبت می‌کنیم. وقتی عبودیت به عبادت می‌رسد، خیلی متفاوت می‌شود.

سوال: علمی که فرمودید باعث استمرار عمل می‌شود، مگر همان علم شروع عمل نیست؟

- خیر، آن علم، علم به حکم است. علمی است که در مواجهات مختلف با آن روبرو می‌شویم؛ مثلاً در نماز خواندن، شک بین رکعت دو و سه پیش می‌آید. اینجا به علم احتیاج است که حکم را بداند. هر علمی به حکم احتیاج دارد اما نوعاً علم‌ها در اثر مواجهات اتفاق می‌افتند.

زمانی که به تدبر و نشر احتیاج است، امام جعفر صادق (علیه السلام) وارد ساختار می‌شوند. به غایت رسیدن، ثبت و گسترش مهم است. امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند بطوریکه هر دو به علم و تفکر متمرکز می‌شوند. امام باقر (علیه السلام) در تفکر و امام صادق (علیه السلام) در «تدبر و گسترش» تاثیر دارند؛ یعنی تولید کارهای مختلفی که توسط عملی ممکن است اتفاق بیفتد. هر کاری در درون خود، زایش‌های مختلفی دارد که آن زایش به نشر و تدبر نیاز دارد.

امام کاظم (علیه السلام) بحث «اخلاق و زندگی» است. هر کاری به تبع با دیگران ارتباط دارد و در هر عملی که در ارتباط با دیگران است، انسان باید حقوق و حدود افراد را رعایت کند. شما کاری را برای خودتان انجام می‌دهید اما به هر حال با دیگران در ارتباط هستید. حتما باید از تعدی دوری کنید. در انتخاب شغل یا رشته تحصیلی، خانواده نیز ممکن است دچار مزاحمت شوند. خستگی من برای آن‌ها ایجاد کسالت می‌کند. از امام کاظم (علیه السلام) بحث اخلاق در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد. اگر دقت کنیم، می‌بینیم که ائمه بزرگوار (علیهم السلام) دوره به دوره هستند. بعد از امام علی (علیه السلام)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)، موضوع حُسن، امام سجاد (علیه السلام) بحث عبادت، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بحث علم، امام کاظم و امام رضا (علیه السلام) بحث اخلاق پررنگ می‌شود.

سوال: در مثالی که در انتخاب شغل یا رشته تحصیلی فرمودید، این فرد در حکم‌دانی خیرگزینی خود اشتباه کرده که این انتخاب او باعث مزاحمت برای خانواده‌اش شده است؟

- خیر، شما مجبورید رزق تهیه کنید. در همین راه ارتباطات با دیگران شکل می‌گیرد. در اینجا بحث اخلاق، رحمت و اهمیت به دیگران مطرح می‌شود. به این مسائل کاظم می‌گویند؛ یعنی کسی که مشکلات و مسایل را در خودش هضم می‌کند و به دیگران انتقال نمی‌دهد. مشکلاتش را خودش حل می‌کند و غم و غصه را همراه خود به خانه نمی‌آورد.

امام رضا (علیه السلام) «بینه مجد و رضا» هستند. سازگاری مثبتی که فرد نسبت به کارها و افراد پیدا می‌کند. بعضی افراد در هر حالتی حتی زمانی که برایشان سختی پیش می‌آید، الحمدلله را ترک نمی‌کنند اما افرادی که اهل رضا نیستند، همه شرایط را علیه خودشان می‌بینند. در واقع در بینه مجد و رضا، فرد به عزتی می‌رسد که شرایط برایش همیشه بهترین شرایط است. زمین خوردن و بلند شدن هر دو برایش خوب است. همه چیز را به نفع خودش می‌بیند و نه به ضرر خودش.

سوال: حتما باید فرد به این مرحله برسد و سازگاری داشته باشد؟

- بله، کسی که به این مرحله می‌رسد به این معنا است که اخلاق هم در او شکل گرفته است. ممکن است ما الان به این مرحله نرسیده باشیم. می‌گوییم ان‌شاءالله ۵۰ سال دوم عمرمان خواهیم رسید اما انسان به طور طبیعی شکست می‌خورد یا پیروز می‌شود. مشخص نیست زمانی که انسان دست به کاری می‌زند، حتما به کامیابی برسد.

انسان امام رضایی در حال شکست نیز الحمدلله می گوید؛ یعنی همه شرایط عالم را به نفع خودش می داند. امام رضا (علیه السلام) بین ائمه اطهار (علیهم السلام)، قله هستند و بعد از ایشان فضا عوض می شود.

امام محمدتقی (علیه السلام) که به نام زکی و تزکیه معروف شدند، «بینه تزکیه و سبقت در خیرات» هستند. فرد سعی می کند با خودش در کار خیر مسابقه بگذارد؛ یعنی همه موارد قبلی را دارد و به قدرت شهودی دست پیدا می کند که می تواند خودی را بر خودش فرض بگیرد و از خودش نیز جلو بزند؛ مثلاً فردی در ۲۴ ساعت، ۱۰۰ کیلوکالری کار انجام می دهد. این مقدار بهینه ترین حالت او است و او سعی می کند این حالت بهینه تر کند؛ مثلاً در ۲۴ ساعت، ۱۵ ساعت کار مفید انجام می دهد و سعی می کند این ساعت را به ۲۴ برساند. در ۲۴ ساعت، سعی می کند به ۲۶ ساعت برساند و همین گونه افزایش می دهد و رکورد خودش را می شکند. امام جواد (علیه السلام) مربوط به رکوردشکنی و مسابقه با خود هستند. بعد از مدتی این جریان، کوثر می شود. به دلیل اینکه ارزش ساعت را به چندین برابر می رساند.

سوال: این فرد از ابتدا خوب رفتار کرده و پیش آمده تا به این مرحله رسیده است؟

- بله این فرد تا امام رضا (علیه السلام) را تلاش کرده و به امام جواد (علیه السلام) که می رسد، دوپینگ می کند! یعنی یک مرتبه سرعت دیگری پیدا می کند. امام جواد (علیه السلام) کم سن ترین امام شیعه است اما سرعت عمل خیر را چندین برابر می کند.

سوال: لطفاً مثالی بزنید که فردی به مرحله هشتم رسیده و در این مرحله می خواهد سرعتش را زیاد کند.

- مفهوم برکت اینجا مشخص است؛ پولی را به کسی می دهیم و همین پول در جاهای مختلف به شکل های گوناگون، کارهای متنوعی را انجام می دهد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۳ سال در مکه و مدینه حضور داشتند اما ایشان به اندازه همه تاریخ زندگی کردند؛ مثلاً قیمت لحظات عمر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، از نظر ظاهری تا روز قیامت است زیرا زمانی که وحی نازل شد، ایشان ساختاری را ایجاد کردند که «تبیان لکل شیء» باشد. یعنی هرکس در این عالم، به قرآن رسید و با قرآن مانوس شد و توانست از قرآن تا روز قیامت حقایق را کشف کند، از ثمرات وجودی پیامبر (صلی الله علیه

و آله و سلم)، بهره می‌برد. همین که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) موفق شدند در ۲۳ سال وحی را در عالم تثبیت کنند، بهترین سبقت است.

سوال: چگونه از امام جواد (علیه السلام) به این یئنه می‌رسیم؟

- از روایاتی که ذکر شده است و در جلسات گذشته بحث شد.

سوال: در شرح دعای حیات طیبه صحیفه فرمودید کسی که به حواشی نپردازد، می‌تواند سبقت بگیرد. این همان خیرگزینی است؟

- خیر، سبقت در خیرات با خیرگزینی تفاوت دارد. سبقت در خیرات مربوط به یک ساختار شاکل و بهینه است که قدرت مشابه سازی خود و سبقت گرفتن از خودش را دارد. ساختار خاصی است که فرد می‌تواند خودش را غافلگیر کند. ممکن است ما این مسائل را متوجه نشویم چون از ۲۴ ساعت عمر هر روز خود، ۳ یا ۴ ساعت استفاده می‌کنیم اما این فرد، ۲۴ ساعت خود را به ۲۵ و ۲۶ ساعت می‌رساند! بنده با فردی مواجه شدم که از او خواستم به من بگوید که در روز و در هفته و در ماه چقدر کار انجام می‌دهد. ایشان حسابی کرد و جواب داد که در شبانه‌روز که ۲۴ ساعت است، ۳۶ ساعت کار انجام می‌دهد! در اثر این ساختار است که فرد به این مرحله می‌رسد.

سوال: می‌توان این بحث سبقت در خیر را به بحث کمال طلبی امام حسین (علیه السلام) ارتباط داد؟

- بله، اگر کمال طلبی نباشد، انگیزه سبقت در کار خیر پیش نخواهد آمد اما سبقت در خیرات چیز دیگری است. شما الان ۱ دقیقه تا ۵ دقیقه خودتان را در نظر بگیرید. در این ۵ دقیقه یک صفحه کتاب می‌خوانید. دفعه بعد تصمیم بگیرید تعداد صفحات بیشتری در همین ۵ دقیقه بخوانید. یک خط، دو خط و کم کم اضافه نمایید. ظرف یک سال در ۵ دقیقه، یک صفحه و دو خط می‌خوانید. ظرف دو سال به یک صفحه و سه خط می‌رسد. همه اشکالات ما در این است که می‌خواهیم یک مرتبه به جایی برسیم. این سبقت گرفتن، امام جواد می‌شدن است و از همان جود و بخشش می‌آید.

همه اهل بیت (علیهم السلام) حاضر هستند و ما نه فقط در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه)، بلکه در غیبت همه آنها هستیم. به همان نسبت که امام مهدی (عجل الله تعالی فی فرجه) نداریم، به همان نسبت امام عسگری (علیه السلام) را نداریم و به همان نسبت امام هادی (علیه السلام) را نداریم و الی آخر...

اگر ما بخواهیم از این غیبت اهل بیت (علیهم السلام) خارج شویم، باید از اولین، دومین و سومین جلو برویم تا بتوانیم این غیبت را از خودمان برداریم. ما در مورد بعضی از این موارد حتی فکر هم نکرده‌ایم! کار باید عزت و تالیف داشته باشد؛ یعنی هر کاری که ما انجام می‌دهیم، در ساحت اجتماعی خود باید بتواند با کارهای قوی و مشابه خودش تالیف پیدا کند و در مقابل کارهای ضد خودش عزت داشته باشد؛ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۴، همان «عزت و تالیف» است که به امام دهم و یازدهم (علیهم السلام) مربوط می‌شود.

به عنوان مثال فردی با ازدواجش تالیف پیدا می‌کند؛ یعنی افرادی که از نظر اعتقادی با او همسو نیستند، نمی‌توانند به او نزدیک شوند. فرد هیبت پیدا می‌کند. بسیاری از کارهای این فرد دیگر انتخابی نیست بلکه خودبخودی اتفاق می‌افتد؛ تالیف بین گروه‌های مختلف، ایجاد وحدت بین گروه‌های هم سن و دارای ابهت شدن بین افراد ضد مثل هم‌افزایی.

اگر کاری درون خودش به جریان وصل نشد و منفعل بود، یعنی امام هادی (علیه السلام) را ندارد. کار باید به جریانی متصل شود.

سوال: انسان‌ها اگر هنرمند باشند و بتوانند کارهایی انجام دهند، به هر حال با هم ربط دارند. در این ربط اگر همه افراد هم مسیر اهل تلاش باشند، خود و اطرافیانشان را در این مسیر کمک می‌دهند اما اگر یک نفر در این مسیر اهل تلاش باشد و اطرافیانش اینگونه نباشند، باعث کندی او نیز می‌شوند. این فرد باید چه کاری انجام دهد که به ارتباطاتش و این جمع امت آسیب نزنند؟ افرادی که در دانشگاه هم کلاس من هستند یا در محیط کار با من همکار هستند را که ما انتخاب نمی‌کنیم. این فرد باید در این شرایط چه کار کند؟

- در ساختار امت، وضعیت پیوند بین افراد که اسم آن را تالیف می‌گذاریم، براساس خواست ما اتفاق می‌افتد و اقتضای آن را خود فرد باید ایجاد کند و بقیه آن دست فرد نیست. می‌توان گفت اجباری، در ادامه این روند مسیر را پیش می‌برد؛ مثلاً کسی در ایران، کار علمی قوی انجام می‌دهد که لازم است با فردی در عربستان و فردی در تونس که آن‌ها نیز در همین حوزه کار کرده‌اند، ارتباط برقرار کند. این مرحله کار امام است که این افراد را به هم پیوند دهد. نوعا پیوندهای غلطی که بین ما ایجاد می‌شود، به خاطر زمینه‌های غلطی است که خودمان ایجاد کرده‌ایم. مثلاً من امروز با آدمی که نباید روبرو می‌شدم، مواجه شده‌ام. وقتی مرور می‌کنم می‌بینم جایی از کار من ناقص بوده که

^۴سوره فتح، آیه ۲۹

باعث شده در نفسم با آن فرد روبرو شوم، در غیر این صورت انسانِ امام‌دار، همه ارتباطاتش سازماندهی شده و بر اساس حکمت است. اگر کسی طبق این نظام پیش برود، با خود حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فی فرجه) نیز می‌تواند ارتباط داشته باشد. اصلاً بحث غیبت هم نیست اما چرا نمی‌توانیم؟ چون کاری نکرده‌ام که با ایشان مواجه شوم. اگر کاری انجام می‌دادم که پیوند آن ملاقات با حضرت بود، حتماً اتفاق می‌افتاد.

این نظام خیلی حساب شده است. حتی چشم در چشم شدن‌ها هم که نوعی پیوند است با حساب و کتاب است. اینگونه نیست که هر جا و هر کس را بتوانیم ببینیم و محبت آن در دل مان بیاید. قبل از آن باید بر ملاقات‌ها، هم‌سفره‌گی‌ها و هم‌صحبتی‌هایمان مراقبت داشته باشیم. اینکه ما فکر می‌کنیم امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه) در غیبت است و فریب این حرف را می‌خوریم، اشتباه است. تا الان هم فریب خورده‌ایم. ما کاری نداشته‌ایم که با ایشان روبرو نشده‌ایم. قطعاً و حتماً اگر کاری انجام بدهیم که ثوابش ملاقات ایشان باشد، ملاقات خیلی راحت اتفاق می‌افتد و خود حضرت به سراغ ما می‌آیند. به هر حال، نظام امامت، یک نظام تکوینی است. اینگونه نیست که بگوییم من امام عسگری‌دار یا امام هادی‌دار شدم؛ زمانی که این اتفاق بیفتد، ثمراتش دیده خواهد شد. امام عسگری (علیه السلام) «بینه قیام و جهاد» هستند؛ یعنی از دل هر کاری که می‌کند، جهاد در می‌آورد. مثلاً گیاه‌شناسی پیدا شود که بگوید من هر جایی را که ببینم، گیاه‌دار می‌کنم. این یعنی من به تکنولوژی‌ای دست یافته‌ام که با آب، گیاه می‌روید. این فرد، هر کاری که انجام دهد جهاد است و به بمب خوشه‌ای علیه رژیم استکبار تبدیل می‌شود.

سوال: شاخص جهاد بودن چیست؟

- شاخص، خار چشم دشمن بودن است. اینکه در تیررس دشمن قرار بگیرد اما دشمن می‌گوید اگر این فرد آزاد باشد مرا از بین می‌برد و طرح ترور او را می‌ریزند. اگر کسی تا الان ترور نشده یا صلاح نبوده، یا مجاهد نبوده است! اگر کسی مجاهد باشد، دشمن تحملش نمی‌کند. اگر سید حسن نصرالله کشته شود، دوران به هم می‌ریزد. ایشان هیبت دارند و این امام عسگری‌دار بودن است.

سوال: آیا می‌توانیم طبق این نظام، از امام علی (علیه السلام) تا امام زمان (عجل الله تعالی فی فرجه) خودمان را ارزیابی کنیم و ببینیم تا کدام امام جلو آمده‌ایم و آیا حقیقی است یا توهم!؟

- این نظام به این شکل نیست. تا امام رضا (علیه السلام) به فرد و عملکرد او بستگی دارد اما از امام رضا (علیه السلام) به بعد معیار جهادی است. معیار مقبولیت عمومی است. امام مهدی (عجل الله تعالی فی فرجه)، مرجعیت است. ادعای فرد مطرح نیست. خداوند برای هدایت، محبت او را در دل دیگران می‌اندازد. معلمی که در کلاس همه دوست دارند انوار هدایت را از او بشنوند.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «بینه هدایت و رشد» هستند؛ یعنی مقبولیت اینکه ایشان هادی بقیه افراد هستند در دیگران ایجاد می‌شود. در واقع اگر ما در جمعی قرار گرفتیم و دیگران ابراز محبت داشتند و گفتند که صحبت کردن ما باعث می‌شود از گناه دست بردارند و به خدا نزدیک شوند، این شاخصه حضرت حجت است. رنگ و بوی ایشان را گرفته‌ایم و ما را به عنوان حجت می‌شناسند. این مسئله بسیار مهم است که انسان به چنین مقبولیتی برسد که صحیح باشد و ترنم هدایت در آن فضا گسترده شود. این ۱۲ مورد را بررسی کردیم که بگوییم این مراحل و این ساختار کاملاً عملیاتی است.

سوال: شما جهاد را به امام حسن عسگری (علیه السلام) نسبت دادید، در حالیکه ما جهاد را با امام حسین (علیه السلام) شناخته‌ایم. لطفاً در این مورد کمی توضیح دهید.

- این مباحث مرتبه به مرتبه است و در اصل از اسمای مبارکه ایشان گرفته می‌شود و می‌فرمایند «السلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ»، شهید را به معنای گواه، نه کشته شده در نظر می‌گیرند. «السلامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ»، هیت را به امام عسگری (علیه السلام) در اثر جهاد نسبت می‌دهند. بخشی از این مباحث ذوقی بوده و بنده اینگونه ترتیب داده‌ام و شما می‌توانید همین روایت را طبق مدل دیگری بچینید.

اما آیا این درست است که افراد مختلف طبق مدل‌های مختلف این روایات را بررسی کنند؟ به نظر بنده این کار بد نیست به این دلیل که شما در حال جهت دادن به خوبی‌ها هستید؛ مثل اینکه سبقت در خیرات را شما به امام دیگری نسبت می‌دهید. در کل این مسئله مهم است که امامان (علیهم السلام) را به عنوان امامان حُسن و خیر و ایمان و اخلاق و رفتار حَسنه ببینیم و از آن حالت شخصی که فکر می‌کنیم آن‌ها را نمی‌شناسیم، خارج کنیم و در هر لحظه و در هر خوبی، آن‌ها را امام همان خوبی ببینیم. یکی از کارهایی که ما باید انجام دهیم این است که امامت را در هر لحظه برای خودمان احضار کنیم که البته در روایات هم تعدد دید، داده شده است.

سوال: چرا در مورد پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) مطلبی بیان نشد؟

- پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) اصل و ریشه امامان هستند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) آسمان امامان (علیهم السلام) هستند و نسبت امامان به ایشان، نسبت ماه به آسمان است، تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل! به همین دلیل حضرت زهرا (سلام الله علیها) لایله القدر هستند و همه مقدراتی که توسط این دستگاه مشخص می‌شود، توسط ایشان رقم می‌خورد. حضرت رسول (صل الله علیه و آله و سلم) خورشید و حضرت زهرا (سلام الله علیها) آسمان هستند. خورشیدی که ماه‌های امامت در آن تجلی پیدا می‌کند، حضرت رسول است. امامان انعکاس دهنده وجه رسول الله هستند. پیامبر نور تابنده جامع این ۱۲ امام هستند. شما برای شناسایی رسول خدا هیچ راهی جز نظام امامت ندارید. این ۱۲ قمر، معرف شمس هستند. اسمایی که خداوند به اهل بیت (علیهم السلام) عنایت کرده- اند، مسمی دارد و در راستای کاری است که خداوند در نظر گرفته است.

سوال: منظور از سراج چیست؟

- پیامبر

سوال: چگونه می‌توان این سیر را شروع کرد و در این مسیر نظام امامت قرار گرفت؟

- «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ أَبُهَا» راه ورود به نظام امامت، امیرالمومنین (علیه السلام) است، پذیرش حکم است. باید حکم هر کاری که انجام می‌دهیم را بدانیم. هر کس به هر کدام از اهل بیت (علیهم السلام) در همان زمینه خاص توسل کند، ایشان راهنمایی می‌کنند. برای مثال من می‌گویم یا امیرالمومنین من حکم این کار را نمی‌دانم، خودتان کاری کنید تا من این حکم را بدانم. حتماً ایشان کمک می‌کنند. فرد دیگری می‌گوید من حکم این کار را می‌دانم اما نمی‌توانم بر خودم غلبه کنم، پس لازم است به امام حسن (علیه السلام) متوسل شود. کسی می‌گوید من هوش لازم برای انجام این کار را ندارم و نمی‌دانم چگونه این کار را به نحو زیبا و احسن انجام بدهم، به امام حسین (علیه السلام) متوسل شود. کسی می‌گوید من این کارها را می‌توانم انجام دهم اما نمی‌دانم باید چکار کنم تا این کارها به عبادت تبدیل و خالص، ذخیره و زینت داده شوند، پس به امام سجاد (علیه السلام) متوسل شود. کسی می‌گوید من همه این‌ها را می‌دانم اما نمی‌دانم باید چکار کنم تا در ادامه بتوانم بهره بیشتری ببرم، به امام باقر (علیه السلام) توسل نماید. کسی می‌گوید من همه این‌ها را می‌دانم و می‌توانم اما احساس می‌کنم به انتهای کار نمی‌رسم و چیزی که انتظارش را دارم محقق نمی‌شود، به امام صادق (علیه السلام) متوسل شود. کسی می‌گوید مشکل من این است که

هر چه تلاش می‌کنم نمی‌توانم با دیگران ارتباط بگیرم، توسّل به امام کاظم (علیه السلام) داشته باشد. در ارتباط با دیگران مشکلی ندارم اما راضی نمی‌شوم، توسّل به امام رضا (علیه السلام) چاره ساز است. تلاش می‌کنم اما احساسم این است که بیش از این توان دارم، به امام جواد (علیه السلام) متوسّل شود. برای برخی افراد همه چیز خوب پیش می‌رود اما می‌خواهند دیگران از آن‌ها حساب ببرند، پس باید توسّل به امام هادی (علیه السلام) داشته باشند. کار انجام می‌گیرد اما جریان نمی‌شود، توسّل به امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) لازم است. دوست دارم در هدایت محبوب دیگران باشم و از هیبتی برخوردار باشم که کار جلو برود، باید به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توسّل داشت. به دلیل اینکه چندین روایت تلیف شده‌اند، مستندات این روایات به راحتی قابل استخراج نیست و زمان گیر است.

سوال: توسّل به حضرت زهرا (سلام الله علیها) چگونه است؟

- زمانی که احساس می‌کنم کدر شده‌ام و نوری ندارم به ایشان متوسّل می‌شوم. ایشان اُم طهارت و استغفار همه انبیاء الهی هستند. هر کس احساس کسالت، دَنَس، رِجَس و خبائث دارد، توسّل به حضرت زهرا (سلام الله علیها) کارگشا است. توسّل به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر همه انبیاء و ائمه (سلام الله علیهم اجمعین) تفوّق دارد. این روایت بسیار زیبا است و از مجموعه احادیث سلسله الذهب است که فضل ابن شاذان آن را مطرح می‌کند، اما سند مشخصی ندارد.

الفضائل و الروضة فی الفضائل لشاذان بن جبریل:

«بالاسناد» یرفعه إلی علی بن موسی الرضا، یرفعه إلی النسب الطاهر الزکی، إلی سید الشهداء الحسین بن علی علیه السلام قال: قال لی أبی: قال أخی رسول الله صلّی الله علیه و آله:

من سرّه أن یلقى الله تعالی مقبلا علیه غیر معرض عنه، فلیوال علیا.

و من سرّه أن یلقى الله تعالی و هو عنه راض، فلیوال ابنه الحسن علیه السلام.

و من أحبّ أن یلقى الله تعالی و هو لا خوف علیه، فلیوال ابنه الحسین علیه السلام.

و من أحبّ أن یلقى الله و هو یمحصّ عنه ذنوبه، فلیوال علی بن الحسین علیه السلام السجّاد.

و من أحبّ أن يلقى الله و هو قرير عين، فليوال محمد الباقر عليه السّلام.

و من أحبّ أن يلقى الله و هو خفيف الظهر، فليوال جعفر الصادق عليه السّلام.

و من أحبّ أن يلقى الله و هو طاهر مطهر، فليوال موسى الكاظم عليه السّلام.

و من أحبّ أن يلقى الله و هو ضاحك مستبشر، فليوال عليّ بن موسى الرضا عليه السّلام.

و من أحبّ أن يلقى الله و قد رفعت درجاته، و بدّلت سيّئاته حسنات، فليوال محمد الجواد عليه السّلام.

و من أحبّ أن يحاسبه الله حسابا يسيرا فليوال علي الهادي عليه السّلام.

و من أحبّ أن يلقى الله و هو من الفائزين فليوال الحسن العسكري.

و من أحبّ أن يلقى الله و قد كمل إيمانه و حسن إسلامه، فليوال الحجّة صاحب الزمان القائم المنتظر المهدي «م ح م د» بن الحسن.

فهؤلاء مصابيح الدجى و أئمة الهدى و أعلام التقى، فمن أحبّهم و تولّاهم، كنت ضامنا له على الله الجنّة^٥.

يكي از وجوه این روایت، برای کسی است که دوست دارد خداوند را ملاقات کند و سلسله امامت را به صورت طولی یکی بعد از دیگری بیان می‌کند؛ یعنی هرکس دوست دارد خداوند به او رو کند، ابتدا ولایت علی (علیه السلام) را بپذیرد. هرکس که دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که خدا از او راضی باشد، ولایت حسن (علیه السلام) را بپذیرد. هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که ترسی ندارد، ولایت حسین (علیه السلام) را بپذیرد. هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که از گناه خالی است، ولایت علی بن الحسین (علیه السلام) و هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که نور چشم است، ولایت محمدباقر (علیه السلام) را بپذیرد. هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که بار از دوشش برداشته شود، ولایت جعفر صادق (علیه السلام) و هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که طاهر و مطهر باشد، ولایت موسی بن جعفر (علیه السلام) را قبول نماید. هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالی‌که خندان است و بشارت داده

^٥ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال-الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، النصوص، ص: ۲۹۱

شده است، ولایت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالیکه درجاتش رفعت دارد و سیئاتش به حسنات تبدیل شود، ولایت محمد الجواد (علیه السلام)، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالیکه به حسابش سریع رسیدگی کند، ولایت علی الهادی (علیه السلام)، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالیکه پرچم به دست و پیروز است، ولایت حسن العسگری (علیه السلام) و هر کس که دوست دارد خداوند را ملاقات کند درحالیکه ایمانش کامل و اسلامش نیکو است، ولایت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بپذیرد؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ضامن بهشت و شافع اصلی او است.

روایت قبلی اصل پذیرش ولایت امامان (علیهم السلام) را بیان می کند و این روایت، نتیجه پذیرش ولایت ایشان را مطرح می نماید.

در هر دوره از زندگی انسان، یکی از این خصوصیات برجسته می شود؛ مثلا خصوصیت جهاد در سن ۴۰-۳۵ سالگی و خصوصیت رضا، سن ۳۰ سال است و چقدر خوب است که انسان چنین سنی داشته باشد که بتواند بگوید من در طفولیتم امیرالمومنین (علیه السلام) را ملاقات کردم. در نوجوانی اول با حسن (علیه السلام) و در نوجوانی دوم خود با حسین (علیه السلام) ملاقات داشتم و در اوایل ازدواجم به ملاقات زین العابدین (علیه السلام) مشرف شدم. آنگاه پس آن که علم و قدرت در من ظهور کرد، امام باقر (علیه السلام) را ملاقات نمودم و در دوره ۳۰ سالگی به بعد که مواجهات انسان زیاد است، با امام کاظم (علیه السلام) همراه می شود و آن زمان که همه انسان را تنها می گذارند، امام رضا (علیه السلام) را دارد و راضی است. حدود ۳۷ سالگی از خودش سبقت می گیرد و امام جوادی می شود و ۳۹ سالگی با امام هادی (علیه السلام) همراه است. در روایات نهایتا تا ۴۵-۴۰ سالگی وارد شده است و بقیه این سن، فضل خدا است. هر کس تا ۴۰ سالگی زندگی کرد خدا را شکر کند که عمر تام و کامل به او داده است.

انشاءالله با توفیقات خداوند در جلسات بعدی، این روایات را در اوقات و شب و روز بررسی کنیم.

صلواتی ختم بفرمایید.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات